

# علیه جولانِ ناامیدی

مروری بر کتاب جولان جوانمرد



«جولان جوانمرد» با پرداختن به زندگی و تجربیات مرحوم احمد خالدي به عنوان نمونه‌ای از الگوی مدیریتی متفاوت جمهوری اسلامی، اولین گام‌ها را در این مسیر برداشته است. شاید دکتر خالدي از جنبه‌های مختلف، یکی از متفاوت‌ترین نمونه‌های تحقق «مدیریت جهادی» باشد؛ کسی که در رأس سازمان‌هایی با مأموریت‌های متفاوتی بوده و دوران کاری‌اش را بی‌هیاهو و به دور از بزرگنمایی‌های خبری گذرانده است، در دسته‌بندی‌های متداول احزاب سیاسی نمی‌گنجد و حتی اکنون زنده نیست که بگوییم از چاپ این خاطرات، او و فرزندانش که سهمی از ادامه مناصب مدیریتی او ندارند، سودی می‌برند.

خارج از عرصه مدیریت هم، پرداختن به زندگی و سبک مدیریتی امثال آقای خالدي، می‌تواند اثر خود را در مبارزه با جولان ناامیدی بزرگنمایی‌شده توسط دشمنان، نشان دهد. تلاش شبانه‌روزی رسانه‌هایی که هرگونه تجربه موفق جمهوری اسلامی و عملکرد مثبت انسان‌های معتقد به دین و انقلاب را نفی می‌کنند، علاوه بر کارکردهای سیاسی، فضایی در فرهنگ عمومی ایجاد می‌کند که در آن، بسیاری از ضعف‌ها و آفت‌های فرهنگی و قانونی، رنگ عرف و جبر اجتماعی به خود می‌گیرند تا برخی از مردم با استناد به آنها، انتخاب‌ها و عملکردهای نادرستشان را توجیه کنند. شاهد عینی این مدعا، در پایان کتاب جولان جوانمرد و در خاطرات یکی از دوستان مرحوم خالدي آمده است؛ آنجا که تعریف می‌کند روزی پس از مرگ ایشان، پسر آقای خالدي را در تاکسی می‌بیند و بعد از پیاده‌شدنش: «همین‌طور بی‌مقدمه به راننده تاکسی گفتم: «این طرف رودیدی؟ این آقا زاده بود. پدرش معاون وزیر و مدیرکل بوده. الان یکی از پسرهای

ترکیب «مدیریت جهادی» که تا بیست سال پیش، بیشتر به مدیران حوزه جنگ و یا جهادسازندگی اطلاق می‌شد، این سال‌ها به عنوان توصیف الگوی مدیریت متعهد و کارآمد مورد انتظار رهبر شناخته می‌شود و متأسفانه مانند بسیاری از کلیدواژه‌های مورد استفاده ایشان، چنان بی‌محابا و دم‌دستی تکرار شده و مورد سوءاستفاده‌های تبلیغاتی قرار گرفته که عملاً درک مفهوم و ویژگی‌های آن را دشوار کرده است. برای اصلاح کاریکاتوری که از مدیریت جهادی در رسانه‌ها تصویر شده است و اغلب اجرای پرسروصدا و کوتاه‌مدت پروژه‌های عمرانی و مهندسی را در ذهن‌ها تداعی می‌کند، نمی‌توان تنها به مقالات و گفت‌وگو و توصیف‌های علمی از ملزومات ترکیب «مدیریت جهادی» متکی بود؛ بلکه باید با «روایت» تحقق‌های نزدیک به الگو، به جنگ انبوه «خبر»‌های مدیریتی رفت. با این نگاه، کتاب

مریم حنطه‌زاده

پژوهشگر

”

دکتر خالدي از جنبه‌های مختلف، یکی از متفاوت‌ترین نمونه‌های تحقق «مدیریت جهادی» باشد؛ کسی که در رأس سازمان‌هایی با مأموریت‌های متفاوتی بوده و دوران کاری‌اش را بی‌هیاهو و به دور از بزرگنمایی‌های خبری گذرانده است، در دسته‌بندی‌های متداول احزاب سیاسی نمی‌گنجد